

## «درس چهارم» معرفه و نکره

اسم معرفه: اسمی است که نزد گوینده و شنونده ، یا خواننده ، شناخته شده باشد ، ولی اسم نکره ، ناشناخته است.  
مهمترین نشانه ای معرفه:

(۱) ال: اگر اول اسمی (ال) باشد آن اسم معرفه است . مثل

(۲) کتابٌ = کتابی ، یک کتاب

(۳) مَدْرَسٌ = معلمی ، یک معلم

نکته ۱) کلمات (الله – الذی ، الّتی ، الذین – اللاتی، اللّهْم) معرفه به «ال» نیستند

نکته ۲) معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه (ال) تکرار شود می توان (الف و لامش) را (این ، یا آن) ترجمه کرد.

رایتُ أفراساً . کانتِ الأفراسُ جنبَ صاحبها . اسب هایی را دیدم . آن اسب ها کنار صاحبشان بودند.

نکته ۳) أفراساً نکره است. نکره در عربی معمولاً تنوین (ئِ) می گیرد. مثل = رجلٌ – رجلاً

در ترجمه فارسی نکره به سه صورت معنی می شود. جاء رجلٌ = مردی آمد- یک مرد آمد.

یک مردی آمد. نکره با (ی، یک) معنی می شود.

نکته) اسم های خاص : نیز معرفه هستند. اسم های علم (خاص) نام مخصوص کسی یا جایی است. مثل محمد ، فاطمة ، ایران، اصفهان ، الله ، ...

\* اسم های علم (خاص) اگر تنوین بگیرند اسم معرفه هستند و نکره حساب نمی شوند.

محمدٌ – علیاً . معرفه هستند

نکته اضافی(خارج از کتاب)

معرفه به ضمیر: ضمیرها که قبلاً خواندید معرفه هستند . مثل هو هی ... کَ – کِ ...

معرفه به اضافه: اگر اسمی نکره باشد ولی به معرفه اضافه شود معرفه به اضافه نامیده می شود

مثل: کتاب المعلم کتاب محمد کتابک

معرفه به اضافه معرفه به ال معرفه به اضافه معرفه علم

**نکته ۱)** اسمی که «ال» دارد و اسمی که اضافه می شود به هیچ عنوان تنوین نمی گیرد

مثلاً : التلميذُ غلط است      تلميذُ المدرسه غلط است

**نکته ۲)** اگر یک اسم ال دار با کلمات (الذی ، الّتی ، الذّین ، اللّاتی ...) بیاید می توانیم آن را شبیه نکره یعنی حرف آخرش را (ی) ترجمه کنیم.

رایتُ المعلم الذی یضحکُ. دیدم معلمی را که می خندید.

**نکته ۳)** اسم های «مثنی و جمع مذکر سالم» هیچ گاه تنوین نمی گیرند. اگر معرفه نباشند یعنی ال نداشته باشند و به اسم دیگری هم اضافه نشده باشند ، بصورت نکره معنی می شوند.

جاء مومنون. مومنانی آمدند

**نکته ۴)** در جملات اسمیه خبر اگر بصورت نکره بیاید، غالباً بصورت معرفه معنی می شود.

الطالبُ مُجدُّ دانش آموز کوشاست.

هذا معلمٌ این معلم است

### ترجمه فعل مضارع (۱) حروف ناصبه (مضارع منصوب)

آخر مضارع یا ضمه ُ است یا (ن) . در عربی حروفی هستند که بر سر فعل مضارع می آیند و آخر مضارع اگر ُ باشد به َ فتحه تبدیل می کنند و اگر (ن) باشد (ن) را حذف می کنند بجز دو فعل بر وزن (هَنّ يَفْعَلَنَّ و انْتُنَّ تَفْعَلَنَّ )

در معنا هم تغییر ایجاد می کنند (آن- کی- حتی- لـ - لکی) معنای مضارع را از اخباری به التزامی تبدیل می کنند اما لَنْ مستقبل منفی می سازد.

يَجْعَلُ = قرار می دهد : (آن يَجْعَلُ = که قرار بدهد). لَيَجْعَلُ - حَتَّى يَجْعَلُ - كَي يَجْعَلُ - لِيَجْعَلَ = (تا قرار بدهد ، تا این که قرار دهد). لَنْ يَجْعَلَ = قرار نخواهد داد.

يُحَاوِلُونَ = تلاش می کنند = أَنْ يُحَاوِلُوا = که تلاش کنند

يَحْكُمُ = داوری می کند = كَي يَحْكُمَ ..... لَنْ يَحْكُمَ .....

تَفْرَحُونَ = شاد می شوید = لِيَكِي تَفْرَحُوا ..... لَنْ تَفْرَحُوا .....

يَذْهَبْنَ = می روند = حَتَّى يَذْهَبْنَ ..... لَنْ يَذْهَبْنَ .....

**نکته ۱)** اگر بخواهیم جمله ای را منفی کنیم که مضارع التزامی منفی بشود به این صورت است که بین حروف ناصبه و فعل مضارع (لا) می آوریم.

أَنْ يَذْهَبَ = که برود ← أَنْ لَا يَذْهَبَ = که نرود = أَلَّا يَذْهَبَ

**نکته ۲)** گاهی آن + لا بصورت أَلَّا نوشته می شود.

## تست درست چهارم

(۱) «\*إِنَّ اللَّهَ هُوَ الَّذِي فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى وَ مُخْرِجِ الْمَيْتِ مِنَ الْحَيِّ\*»

- ۱) خداوند کسی است که شکافنده ی دانه و هسته و بیرون آورنده ی مرده از زنده است.
- ۲) خداوند همان کسی است که دانه و هسته را می شکافد و مرده را از زنده بیرون می کند.
- ۳) خداوند است که دانه را از هسته شکافت و مرده را از زنده بیرون آورد.
- ۴) خداوند همان کسی است که دانه ها را شکافته و مرده را از زنده بیرون آورده است

(۲) «ما كُنْتُ أَعْرِفُ شَجْرَةً أَعْجَبَ مِنَ الْعَبِّ الْبِرَازِيلِي لِأَنَّهَا تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَي جَذْعِهَا

- ۱) عجیب ترین درختی را که می شناسم ، انگور برزیلی می باشد، زیرا میوه هایش روی تنه می روید
- ۲) درختی عجیب تر از انگور برزیلی نمی شناختم، زیرا میوه هایش روی تنه اش می روید
- ۳) درختی عجیب تر از انگور برزیلی نمی شناسم، زیرا میوه اش روی تنه اش می روید
- ۴) درختی عجیبی مانند انگور برزیلی نمی شناختم، زیرا میوه اش روی تنه می روید.

(۳) «تُسَمَّى هَذِهِ الشَّجَرَةُ خَانَقَةً لِأَنَّهَا تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالْإِلْتِفَاتِ حَوْلَ شَجْرَةٍ أُخْرَى!»

- ۱) نامیدن این درخت بنام خفه کننده به این دلیل است که زندگی اش را با پیچیدن دور درخت دیگری شروع می کند
  - ۲) این درخت را خفه کننده می نامیم، زیرا زندگی اش را با پیچیدن دور یک درخت دیگر آغاز می کند
  - ۳) این درخت خفه کننده نامیده می شود، زیرا زندگی اش را با پیچیدن پیرامون درخت دیگری شروع می کند
  - ۴) این درخت، خفه کننده نامیده می شود، زیرا زندگی را با پیچیدن دور یک درخت دیگر آغاز می کند.
- (۴) «\*اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ، الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ، الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ\*» خداوند نور آسمان ها و زمین است مثل نور آن مانند ....

- ۱) چراغ دانی است که در آن چراغ است ، چراغ در شیشه است، شیشه گویی ستاره ای درخشان است.
- ۲) چراغ دانی است که در آن چراغی است ، آن چراغ در شیشه ای است که آن شیشه مانند ستاره ی درخشانی است.
- ۳) چراغ دانی است که در آن چراغی است ، آن چراغ در شیشه است ، شیشه گویی ستاره درخشان است.
- ۴) چراغ دان است که در آن چراغ است، چراغ در شیشه است، آن شیشه گویی ستاره درخشان است.

(۵) عَيْنِ الْخَطَا :

- ۱) عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ : دانشمند که از دانش خود سود می برد از هزار عبادت کننده، بهتر است
- ۲) هَذَانِ الْفَرِيفَانِ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفٍ : این دو تیم دوباره بدون هیچ گلی مساوی شدند
- ۳) رَائِحَةُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ حَيْثُ تَهْرَبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ: بوی این درخت بد است، بطوری که حیوانات از آن فرار می کنند

٤) شجرة الخبز تحملُ أثماراً في نهاية أغصانها كالخبز: درخت نان ، در انتهای شاخه هایش میوه هایى مانند نان حمل می کند.

٦) عین الاسم المعرفة :

(١) قلماً (٢) تلميذاً (٣) حميداً (٤) تلميذةً

٧) كم نكرة جاءت في عبارة «نومٌ على علمٍ خيرٌ من صلاةٍ على جهلٍ»

(١) ثلاث (٢) اربع (٣) خمس (٤) ست

٨) عين الفاعل و المفعول به كلاهما معرفتان :

(١) ما عرفت المرأة الفقيرة رجلاً من البداية (٢) «\*لقد نصرُكُمُ اللهُ ببدرٍ\*»

(٣) دَخَلَ في المدرسة تلميذاً لا أعرفه (٤) أَرْسَلَ اللهُ الى فرعونَ رسولاً

٩) عَيْنُ الخَطَا: «سَمِيَ بَعْضُ المُفَسِّرِينَ سورَةَ الحِجْرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الآيَاتِ بِسورةِ الاخلاقِ»

(١) بعضٌ : فاعل (٢) فيها : جارومجرور (٣) الاخلاق: صفت (٤) الحُجْرَاتِ : المضاف اليه

١٠) عَيْنُ اسم معرفة يقبل التنوين :

(١) عَلَى مع الحق و الحق مع عَلَى (٢) هو الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عن عباده

(٣) لسانُ المقصَّرِ قصيرٌ (٤) الحِياةُ تُظْهِرُ بِنَفْسِهَا حَقِيقَةَ الانسانِ

١١) في اى عبارة جاء النكرة ؟

(١) أَنَا مدينةُ العلمِ و عَلَى بابها (٢) رايتُ حميداً في الشارع يَلْعَبُ

(٣) جَلَّتْ مُنْظَمَةُ اليونسكو فُتْبَةً قابوسٍ في قائمةِ التُّراثِ العالَمِيِّ

(٤) حديقهٌ شاهزاده فُربَ كرمان جَنَّةً في الصحراء

١٢- عَيْنُ عبارة ليس فيها اسم نكرة :

(١) الوحدهُ خيرٌ مِنْ جليسِ السَّوءِ (٢) فجأةً ظهرت غيمةٌ سوداءُ في السماءِ

(٣) جاء سعيدٌ الى المدرسة (٤) و هذا إسلامٌ في العهدِ الماضي

١٣- كم نكرة جاءت في عبارة «الندمُ على السكوتِ خيرٌ مِنَ الندمِ على الكلامِ!»

(١) واحدة (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

١٤- عَيْنُ المعرفة في محلّ الخبر :

(١) السَّكوتُ ذَهَبٌ و الكلامُ فَضَّةٌ (٢) لسانُ المقصَّرِ قصيرٌ

(٣) أَفَّةُ العلمِ النسيانُ (٤) الشَّعبُ العالَمُ شَعْبٌ ناجحٌ

١٥- كم اسم العلم جاء في العبارة : «خَلَقَ اللهُ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ فِي جَزِيرَةِ قَشَمِ الَّتِي فِي مَحَافِظَةِ هَرْمِزْجَانِ» ؟  
(١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

١٦- في أيّ عبارةٍ عددُ المعارفِ أكثرُ ؟

(١) يَقَعُ الْبَحْرُ الْأَبْيَضُ بَيْنَ أَرْوَبَا وَ آسِيَا وَ إِفْرِيْقِيَا  
(٢) يَجْذِبُ قَبْرُ كُورُوشَ سَيَّاحًا مِنْ دَوْلِ الْعَالَمِ  
(٣) قَدْ جَعَلَ الْقُرْآنُ الدُّنْيَا وَسِيلَةً لِلْحَصُولِ عَلَى الْعَقْبِي  
(٤) سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا مِنْ الشَّارِعِ فَذَهَبْتُ إِلَيْهِ

١٧- في أيّ عبارةٍ ما جاء عددُ النكراتِ على حدِّ سواءٍ ؟

(١) الَّذِي يُعْطِيهِ اللهُ عَمْرًا طَوِيلًا  
(٢) بَحْرٌ يَعَادِلُ ثَلَاثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا  
(٣) شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ  
(٤) هَجْمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيْقِ الصَّدَاقَةِ .

١٨- عَيِّنِ الْخَبَرَ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي الْمَعْرِفَةِ وَ النِّكَرَةِ :

(١) الْجَلِيْسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ  
(٢) عُصُوْنُ الرَّبِيْعِ بَدِيْعَةٌ جَمِيْلَةٌ  
(٣) الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْعِلْمِ  
(٤) سَكُوْتُ اللَّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ

١٩- مَا هُوَ الْخَطَأُ عَنِ عَدَدِ الْمَعَارِفِ بِأَلِ وَ النِّكَرَاتِ ؟

(١) أَنْزَلَ اللهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِيْنَ جُزْءًا مِنَ الرَّحْمَةِ لِلْخَلْقِ . (معرفةً واحدةً / نكرةً واحدةً)  
(٢) أَنْظُرْ، هَجْمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ فَرِيْقِ الصَّدَاقَةِ . (معرفةً واحدةً / نكرتانِ اثنتانِ)  
(٣) اللهُ نُوْرُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمَشْكَاةٍ ... (معرفةتانِ اثنتانِ / نكرتانِ اثنتانِ)  
(٤) تَحْتَوِي بُذُورُهَا عَلَيَّ مِقْدَارٍ مِنَ الزُّيُوتِ . (معرفةً واحدةً / نكرةً واحدةً)

٢٠- مَا هُوَ الصَّحِيْحُ عَنِ الْمَفْرَدَاتِ: «رَائِحَةُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الشَّجَرَةِ كَرِيْهَةٌ تَهْرَبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ»

(١) رَائِحَةٌ : اسْمُ مَفْرَدٍ مَوْنُثٍ ، مَعْرِفَةُ بَالٍ / مَبْتَدَأٍ  
(٢) الشَّجَرَةُ : اسْمٌ ، مَفْرَدٌ مَوْنُثٌ ، مَعْرِفَةُ عِلْمٍ / خَبْرٍ  
(٣) كَرِيْهَةٌ : اسْمٌ ، مَفْرَدٌ مَوْنُثٌ ، نِكْرَةٌ / خَبْرٍ  
(٤) الْحَيَوَانَاتُ : اسْمٌ ، الْجَمْعُ الْمَوْنُثُ / مَضَافٌ إِلَيْهِ

## تست مخصوص اعراب مضارع درس چهارم

(۱) «\*إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ\*»

- (۱) همانا خداوند کسی را که دروغگو و بسیار کافر است هدایت نمی کند
- (۲) همانا خداوند کسی را که دروغ می گوید و کافر است را هدایت نمی کند
- (۳) یقیناً خداوند کسانی که دروغگو و کافر هستند را هدایت نمی کند.
- (۴) قطعاً خداوند آن کسی را که دروغ می گوید و کافر است را هدایت نخواهد کرد.

(۲) «إِذَا كَانَ الطَّلَابُ بَعِيدِينَ عَنْ تَقَاتِهِمُ الْإِسْلَامِيَّةَ لَنْ يَنْفَعُوا النَّاسَ!»

- (۱) هرگاه دانش آموزان از فرهنگ اسلامی دور شده اند به مردم سود نرسانده اند
- (۲) زمانی که دانشجویان از فرهنگ اسلامی خود دور باشند به مردم سود نخواهند رساند
- (۳) وقتی که دانشجویان از تمدن اسلامی دور بودند به مردم سود نخواهند رساند
- (۴) اگر دانشجویان از فرهنگ اسلامی خود دور بشوند مردم از آنها سود نخواهد برد

(۳) «مَا كَانَ الطَّلَابُ حَاجِلُوا مِنْ عَمَلِهِمُ الْقَبِيحِ حَتَّى شَاهَدُوا نَتِجَةَ الْإِمْتِحَانَاتِ» :

- (۱) دانش آموزان از کار زشت خود پشیمان نبودند که نتیجه امتحانات را دیده اند
- (۲) دانش آموزان زمانی که نتیجه آزمون ها را دیدند از کار زشت خود پشیمان شدند
- (۳) دانش آموزان از کارهای زشت خود پشیمان نشدند تا اینکه نتیجه آزمون ها را دیدند
- (۴) دانش آموزان از کار زشت خود شرمنده نشده بودند تا اینکه نتیجه امتحان ها را دیدند.

(۴) عَيْنُ الصَّحِيحِ :

- (۱) أَيْ إِطَارٍ مِنْ سَيَّارَتِكُمْ أَنْفَجَرَ؟ کدام ماشینتان تایرش منفجر شد؟
- (۲) كَيْفَ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَحْلُوا مُشْكَلَتَكُمْ؟ چگونه توانستید مشکلات خود را حل کنید؟
- (۳) كم كانت الساعة عند انفجار الاطار؟ ساعت چند تایر منفجر شد؟
- (۴) مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَسُوقُ السَّيَّارَةَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ؟ در آن زمان چه کسی از شما ماشین را می راند؟

(۵) عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ مَفْهُومِ عِبَارَةِ «مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ!»

- (۱) اسْتَمَعَ ثُمَّ أَجِبَ
- (۲) ندانستن عیب نیست ، پرسیدن عیب است
- (۳) شنیدن کی بود مانند دیدن
- (۴) چودانی وپرسی سواتل خطاست.

## ٦ عَيْنُ الْخَطَا :

- (١) تقولون ← حتى تقولوا  
(٢) تفرحون ← لكي يفرح  
(٣) يذهب ← أن يذهب  
(٤) يجلسون ← لن يجلسون

## ٧ عَيْنُ الْعِبَارَةِ الصَّحِيحَةِ :

- (١) إن تدرسون تتجحوا  
(٢) ما تفعلون من الخيرات يعلمه الله  
(٣) عسى أن تكرهون شيئاً و هو خير لكم  
(٤) لا ترفعوا اصواتكم حتى لا تسمع من بعيد

## ٨ عَيْنُ عِبَارَةٍ لَيْسَ فِيهَا مِنَ الْحُرُوفِ النَّاصِبَةِ :

- (١) «اصبروا حتى يحكم الله بيننا»  
(٢) «عسى أن تحبوا شيئاً و هو شر لكم»  
(٣) «ليس الانسان إلا ماسعى»  
(٤) «استمعوا مواظ الوالدين ليحصلوا على تجارب قيمة»

## ٩ عين اللام الناصبة

- (١) ذهب المومنون الى المسجد ليعبدوا الله  
(٢) المومنون ليعبدوا الله في المسجد  
(٣) الامم المسلمة لتستيقظ من نوم الغفلة  
(٤) من يساعدي لتكمل هذا البناء؟!  
(١٠) عين المناسب للفراغ «نؤكد لهؤلاء على أن .... صديقاتهن بالاسماء الحسنة»  
(١) تلقب (٢) يلقب (٣) تلقب (٤) تلقبوا

## ١١ عين الخطأ في استخدام الفعل المضارع :

- (١) يحب علينا أن لترفع اصواتنا فوق صوت الدينا ابداً  
(٢) أمر الله المسلمين أن يسألوه ليعطيهم و أن يستغفروه ليرحمهم  
(٣) الممرصات نساء ليسهرن الليالي في المستشفى.  
(٤) إن الله لا يحب المتكبرين و علينا أن لترفع اصواتنا فوق صوت مخاطب .

## ١٢ ما هو الصحيح للفراغ ؟: «نحن نطلب منكم أن ..... جيداً.»

- (١) درسا (٢) درستم (٣) تدرسون (٤) تدرسوا

## ١٣ عين فعلاً مضارعاً لا يوجد تغيير في آخره :

- (١) إنه يطلب الكرامة حتى يذوق منها كأساً  
(٢) ما بحثت الطالبات عن حل لهذه المسائل ليتخلصن منها  
(٣) «لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون»  
(٤) التلميذ المؤدب لن يقطع كلام معلمه

١٤) أَيُّ عِبَارَةٍ فِيهَا الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ أَكْثَرُ ؟

- ١) « وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ »
- ٢) « إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ »
- ٣) « مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ »
- ٤) يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصَدَقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِأَحْتِيَالِهِ .

١٥) عَيْنُ الْخَطَا ؟

- ١) أَنْ يُسَاعِدُونَنِي
- ٢) أَنْ تَسْأَلَنِي
- ٣) لِتُحِبَّانِي
- ٤) حَتَّى يَنْصُرَنِي

١٦) عَيْنُ الصَّحِيحِ :

- ١) تُجَاهِدِينَ - أَنْ تُجَاهِدِينَ
- ٢) يَذْهَبِينَ - أَنْ يَذْهَبِينَ
- ٣) يَفْرَحْنَ - أَنْ يَفْرَحَ
- ٤) تَحْزَنُ - لَنْ تَحْزَنَ

١٧) - عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ نَوْعِ الْاَفْعَالِ فِي الْعِبَارَةِ عَلَى التَّرْتِيبِ : « الطَّلَابُ حَضَرُوا وَ طَلَّبَ الْاِسْتَاذُ مِنْهُمْ أَنْ يَجْلِسَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي زَاوِيَةٍ مِنْ قَاعَةِ الْاِمْتِحَانِ »

- ١) ماضى - ماضى - مضارع
- ٢) ماضى - ماضى - ماضى
- ٣) ماضى - مضارع - ماضى
- ٤) مضارع - امر - ماضى

١٨) - عَيْنُ الْخَطَا عَنِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ : « يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ »

- ١) يُرِيدُونَ: فعل مضارع ، سوم شخص جمع - مزيد ثلاثى من باب افعال
- ٢) أَنْ يُبَدِّلُوا : فعل مضارع - سوم شخص مفرد ، مزيد ثلاثى من باب تفعيل
- ٣) الله : اسم - مفرد مذكر - جامد
- ٤) كَلَامَ : اسم - جامد - معرفه به اضافه

١٩) - عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ : « لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ »

- ١) لَنْ تَنَالُوا : فعل مضارع ، دوم شخص جمع - مزيد ثلاثى ، مبنى للمعلوم
- ٢) الْبِرِّ : اسم - مفرد مونث - معرفه به ال / مضاف اليه
- ٣) حَتَّى تُنْفِقُوا : فعل مضارع ، دوم شخص جمع - مزيد ثلاثى ، مبنى للمعلوم
- ٤) تُحِبُّونَ : مضارع منصوب ، دوم شخص جمع - مزيد ثلاثى ، مبنى للمعلوم

٢٠) - عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَحْلِيلِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ : « سَافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صَوْرَتَهَا اِيَّامَ صِغَرِي »

- ١) سَافَرْتُ : فعل ماضى ، اول شخص مفرد ، مجرد ثلاثى
- ٢) قَرْيَةٍ : اسم ، مفرد مذكر - معرفه
- ٣) شَاهَدْتُ : فعل ماضى ، مبنى للمعلوم - مزيد ثلاثى
- ٤) صَوْرَةٍ : اسم - مفرد مونث - نكره



## تست های چهار گزینه ای عربی یازدهم انسانی (کاردرمنزل)

### درس چهارم

#### عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ (۱-۸):

۱- "يَنْطِقُ الْعَرَبُ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ وَفَقاً لِأَلْسِنَتِهِمْ فَبَدَّلُوا إِلَى كَلِمَاتٍ قَرِيبَةٍ مِنَ اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ."

الف) عرب واژگان وارد شده را بر اساس زبان هایشان به زبان می آورند، پس آن ها را به واژگانی نزدیک به زبان عربی تبدیل کنید.

ب) عرب واژگان وارد شده را بر اساس زبانشان تلفظ می کنند، پس آن ها را به واژگانی نزدیک به زبان عربی تبدیل کردند.

ج) عرب واژگان وارد شده را بر اساس زبان هایشان به زبان می آورند، پس آن ها را به واژگانی نزدیک به زبان عربی تبدیل کردند.

د) عرب واژگان وارد شده را بر اساس زبان هایشان به زبان آوردند، پس آن ها را به واژگان نزدیک به زبان عربی تبدیل کنید.

۲- "بَعْدَ انْضِمَامِ هَذَا اللَّاعِبِ إِلَى فَرِيقِ پَرَسِپُولِيسِ، هُمْ تَخَلَّصُوا مِنْ بَعْضِ الْمَشَاكِلِ وَ سَجَّلُوا الْهَدَفَ."

الف) بعد از اینکه این بازیکن به تیم پرسپولیس اضافه شد، برخی مشکلات آن ها رفع شد و به هدف رسیدند.

ب) بعد از افزودن این بازیکن به تیم پرسپولیس، آن ها از مشکلات قبلی خود رها شدند و به هدف رسیدند.

ج) بعد از پیوستن این بازیکن به تیم پرسپولیس، آن ها از مشکلات رها شدند و گل را ثبت کردند.

د) بعد از اینکه این بازیکن به تیم پرسپولیس پیوست، آن ها از برخی مشکلات رها شدند و گل را ثبت کردند.

۳- "عَلَيْكُمْ أَنْ تَعْلَمُوا لَنْ نَسْتَطِيعَ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ تَبَادُلِ الْمُفْرَدَاتِ."

الف) ضروری است که یاد بگیرید که نمی توانیم زبانی را بدون جابجایی واژگان بیابیم.

ب) لازم است یاد بگیرید که نتوانستیم زبانی را بدون جابجایی واژگان بیابیم.

ج) باید بدانید که نخواهیم توانست زبانی را بدون جابجایی واژگان بیابیم.

د) باید آموزش دهید که نخواهند توانست زبانی را بدون جابجایی واژگان بیابند.

۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ: "بَيْنَ لِلتَّلَامِيذِ أَبْعَادَ تَأْثِيرِ نَقْلِ الْمُفْرَدَاتِ الْفَارْسِيَّةِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ."

الف) به دانش آموزان ابعاد تأثیر منتقل شدن واژگان فارسی به زبان عربی را بیان کن.

ب) دانش آموزان را با ابعاد تأثیر منتقل شدن واژگان زبان فارسی به زبان عربی آشنا کردند.

ج) به دانش آموزان ابعاد تأثیر منتقل شدن واژگان زبان فارسی به زبان عربی را بیان کرد.

د) دانش آموزان با ابعاد تأثیر منتقل شدن واژگان فارسی به زبان عربی آشنا شدند.

## ۵- عَيْنُ الْخَطَا.

- (الف) ما يُرِيدُ اللهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ: خداوند نمی خواهد تا شما را در حالت بحرانی قرار دهد.
- (ب) يَزِدَادُ الْمُفْرَدَاتِ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ: واژگان عربی در زبان فارسی به خاطر عامل دینی افزایش می یابد.
- (ج) أَلْفُوا كِتَابًا يَحْتَوِي الْكَلِمَاتِ الْفَارْسِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ: کتابی را که شامل واژگان فارسی عربی شده است بنویسید.
- (د) بَدَّلُوا هَذِهِ الْحُرُوفَ إِلَى حُرُوفٍ قَرِيبَةٍ مِنْ مَخَارِجِهَا: این حروف را به حروفی نزدیک به محل تلفظ آن ها تبدیل کردند.

## ۶- عَيْنٌ مَا هُوَ غَيْرُ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ: "تَجْرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ."

- (الف) برد کشتی آنجا که خواهد خدای/وگر جامه بر تن درد ناخدای
- (ب) إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
- (ج) خدا وقتی خواهد عمر دنیا سر نخواهد شد/گلوی خشک صحرایی به باران تر نخواهد شد
- (د) باد آورده را باد می برد

## ۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ الْوَاقِعِ.

- (الف) الدِّيبَاجُ عِطْرٌ لَهُ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ.
- (ب) الْفِضَّةُ قِيمَتُهَا أَفْضَلُ مِنَ الذَّهَبِ.
- (ج) بَعْدَ دُخُولِ الْكَلِمَاتِ الْفَارْسِيَّةِ فِي الْعَرَبِيَّةِ لَمْ تَتَّغَيَّرْ أَصْوَاتُهَا. (د) نَطَقَ الْعَرَبُ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طَبَقَ الْأَسْنَنَةِ.

## ۸- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: "..... الْعَصْرُ الْجَاهِلِيُّ دَخَلَتْ ..... الْفَارْسِيَّةُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ."

- (الف) حَيْثُ - اللُّغَاتُ (ب) مُنْذُ - الْمُفْرَدَاتُ (ج) عِنْدَمَا - الْكَلِمَاتُ (د) إِذَا - أَلْفَاظُ
- إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۹-۱۲):

إِنَّ أَوَّلَ مَسْئُولِيَّةٍ لِلْمَرْأَةِ، عَنَائَتُهَا بِالْأُسْرَةِ. فَإِنَّ الْأَخْلَاقِيَّاتِ الَّتِي نَرَاهَا خَارِجَ الْمَنْزِلِ لَيْسَتْ إِلَّا نَتِيجَةُ لِلْبُذْرِ الْأَوَّلِ الَّذِي زَرَعَتْهُ الْأُمُّ فِي الْبَيْتِ. فَالْأُمُّ تَرْسُمُ فِي

ذَهْنِ الطِّفْلِ الْغَايَاتِ الَّتِي سَيَتَّبِعُهَا فِي حَيَاتِهِ وَ لِذَلِكَ نَعْتَقِدُ أَنَّ الْإِصْلَاحَ الْحَقِيقِيَّ لِلْأُمَّةِ هُوَ تَرْبِيَةُ الْبِنْتِ. إِضَافَةً إِلَى ذَلِكَ فَمِنَ الْمَسْئُولِيَّاتِ الْأُخْرَى لِلْمَرْأَةِ

مُشَارَكَتُهَا فِي الْخِدْمَاتِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ، وَ مِنْ أَفْضَلِهَا مُكَافَأَةُ (مبارزه) الْفَقْرِ وَ مُكَافَأَةُ الْجَهْلِ وَ مُكَافَأَةُ الْمَرَضِ.

## ۹- الْأُمُّ الْمِثَالِيَّةُ هِيَ الَّتِي .....

- (الف) تَجْمَعُ بَيْنَ الْمَسْئُولِيَّاتِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ وَ الْأُسْرِيَّةِ. (ب) تُكَافِحُ الْأَمْرَاضَ وَ تُصْبِحُ طَبِيبَةً وَ تَنْتَرِكُ تَرْبِيَةَ أَطْفَالِهَا.
- (ج) لَا تَعْمَلُ خَارِجَ الْبَيْتِ وَ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ لَهَا أَوْلَادٌ كَثِيرُونَ. (د) لَا تَهْتَمُّ بِالْمَسْئُولِيَّاتِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ وَ يَقُومُ بِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا.

١٠- كَيْفَ تَتَحَقَّقُ مُكَافَأَةُ الْمَرِيضِ مِنْ جَانِبِ الْأُمِّ؟ عَيِّنِ الْخَطَأَ.

الف) حِينَ أُصْبَحَتْ طَبِيبَةً وَ عَالَجَتْ الْأَمْرَاضَ. (ب) إِذَا مَرَضَ الطِّفْلَ وَ عَالَجَهُ الْأَطِبَّاءُ.

ج) إِذَا عَلِمَتْ أُنْبَاءَهَا الْاجْتِنَابَ عَنِ الْجَرَائِمِ. (د) حِينَ قَامَتْ بِتَرْبِيَةِ طِفْلِهَا سَالِمَةً.

١١- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: "إِنْ كَانَ ..... يَتَمَتَّعُ ..... سَعِيدَةً رُبَّمَا ..... جُرْمًا".

الف) الطِّفْلَ/إِمْرَأَةً/يَقُومُ بِهِ (ب) الْإِنْسَانَ/ثَقَافَةً/لَمْ يَقُمْ بِهِ (ج) الْمَنْزَلَ/بِأَخْلَاقٍ/لَمْ يَنْتَشِرْ (د) الْمَجْرِمَ/بِأَسْرَةٍ/لَمْ يَرْتَكِبْ

١٢- مَا هُوَ الصَّحِيحُ عَنِ مَفْهُومِ النَّصِّ.

الف) احْتِرَامُ الْأُمِّ فِي الْمَجْتَمَعِ (ب) أُهُمِّيَّةُ دَوْرِ الْأُمِّ فِي إِصْلَاحِ الْمَجْتَمَعِ

ج) اخْتِصَاصُ التَّرْبِيَةِ بِالْبَنَاتِ (د) عَدَمُ أُهُمِّيَّةِ تَرْبِيَةِ الْبَنِينَ فِي تَقَدُّمِ الْمَجْتَمَعِ

عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ فِي الْجَوَابِ (١٣-٢٠):

١٣- كَمْ اسْمًا تَكَرَّرَ فِي الْعِبْرَةِ التَّالِيَةِ: "اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ"

الف) ثَلَاثَةٌ (ب) خَمْسَةٌ (ج) أَرْبَعَةٌ (د) سِتَّةٌ

١٤- عَيِّنِ مَا كُلُّ أَسْمَانِيهِ مَعْرِفَةٌ (حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا).

الف) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا. (ب) رَأَيْتُ قَامُوسًا يَشْتَمِلُ الْمَفْرَدَاتِ الْمَعْرَبَةَ.

ج) مَا رَأَيْتُ أَسَدًا فِي هَذِهِ الْغَابَةِ. (د) عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.

١٥- عَيِّنِ فِعْلًا مَا لَهُ مَعْنَى الْمُضَارَعِ الْإِلْتِزَامِيِّ.

الف) لَا تُجِيبُوا قَبْلَ الْإِسْتِمَاعِ جَيِّدًا. (ب) تَبَادُلُ الْمَفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ طَبِيعِيٌّ لِيَجْعَلَهَا غَنِيَّةً.

ج) لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ. (د) مَا عِنْدَنَا قُدْرَةٌ حَتَّى نُسَاعِدَ لِلْفُقَرَاءِ.

١٦- عَيِّنِ فِعْلًا يَدُلُّ عَلَى الْمَسْتَقْبَلِ الْمَنْفِيِّ.

الف) قَالَتْ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قَوْلُوا أَسْلَمْنَا (ب) عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

ج) هُمْ لَنْ يَعْمَلُوا وَظَانِفُهُمْ حَتَّى يَبْأَسُوا مِنْ مُسَاعَدَةِ الْآخَرِينَ. (د) وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

١٧- كَمْ خَطَأً فِي هَذِهِ الْعِبْرَةِ: "جَلَسُوا عَلَى الْمَائِدَةِ حَتَّى يَنْتَاطِلُوا الْعِشَاءَ وَ فَجَاءَ سَمِعُوا الصَّوْتِ الْعَجِيبِ وَ أَسْرَعُوا إِلَيْهَا."

الف) ثَلَاثٌ (ب) خَمْسٌ (ج) أَرْبَعٌ (د) سِتٌّ

١٨- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ: "أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ."

الف) فَاعِلٌ - فَاعِلٌ (ب) مُضَافٌ إِلَيْهِ - مَفْعُولٌ (ج) مَجْرُورٌ - فَاعِلٌ (د) خَبَرٌ - فَاعِلٌ

۱۹- كَم اسماً مَعْرِفَةً فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ (حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا):

"قَدْ نُقِلَتْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَلْفَاظٌ فَارْسِيَّةٌ كَثِيرَةٌ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَ دُخُولِ الْإِيرَانِيِّينَ فِي الْعِرَاقِ وَ الْيَمَنِ"

الف) خَمْسَ                      ب) أَرْبَعَ                      ج) سِتًّا                      د) سَبْعَ

۲۰- عَيِّنِ الْفَاعِلَ عِلْمًا.

الف) لِلْفَيْرُوزِ أَبَادِيٍّ مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ الْقَامُوسِ.                      ب) يَجْذِبُ قَبْرُ كُورُوشِ سَيَّاحًا مِنْ دُولِ الْعَالَمِ.

ج) أَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.                      د) سَجَّلَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو قُبَّةً قَابُوسَ.

تست های کنکور کتابهای قدیم متناسب با درس چهارم

عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ

۱) قَدْ نَشَرَ اللَّهُ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِهِ وَ يَفْتَحُ أَبْوَابَ رَحْمَتِهِ :

الف) خداوند گنجینه های علومش را بر ما گشوده است و درهای رحمتش را بر ما باز می کند.

ب) خدایا گنجینه های علوم را بر ما بگشای و درهای رحمتت را بر ما باز فرما .

ج) خداوند گنجینه های علومش را بر ما می گشاید و درهای رحمتش را بر ما باز خواهد کرد.

د) خداوند گنجینه ی علومش را بر ما باز کرده و درهای رحمت خود را بر ما باز می کند .

۲) عَيْنِ الصَّحِيْحِ :

الف) لم يكن هناك ذئبٌ : گرگ آنجا نبود . ب) اولئك الطالبات ، محترماتُ : آنها دانش آموزانی محترم هستند

ج) ما ذهب احدٌ لمساعدة ذلك الراعى : کسی به کمک این چوپان نیامد .

د) هذه شجرةٌ باسقةٌ يُعْرِدُ عليها الطيورُ : این درخت بلندی است که پرندگان بر آن آواز می خوانند.

۳ « اللَّهُمَّ قَدْ وَهَبْتَنِي كُلَّ مَا كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لَهُ، لِأَنَّ فَضْلَكَ يَشْمَلُ كُلَّ عِبَادِكَ » (سراسری هنر ۹۲)

۱) خدایا: هر آن چه سزاوار آن نبودم به من عطا کرده ای، زیرا لطف تو همه بندگان را شامل می شود.

۲) پروردگارم: آنچه را شایسته ی آن بودم به من داده ای، چون بخشندگی تو شامل همه بندگان است.

۳) پروردگارا: به من می دهی همه ی آن چه را شایسته ی آن نیستم، زیرا فضل تو شامل همه بندگان می شود.

۴) خداوندا: به من عطا کن هر چیزی را، حتی اگر سزاوار آن نباشم چون مهربانی توبه همه بندگان رسیده است.

« هؤلاء شاعرات و لهنّ أشعار ذات عاطفة نافذة و شعور عميق » (٤)

١) اينها شعرائى هستند كه اشعارشان داراى عاطفه اى نافذ و احساساتى عميق است

٢) اينان شاعر هستند و اشعارى دارند كه عاطفه اى نافذ و احساسى عميق دارد

٣) اين شاعران را اشعارى است با عاطفه تأثير گذار و احساس عميق

٤) اين شعرا اشعارى دارند با عواطف تأثير گذار و احساسى عميق

٥) عَيْن النكرة:

١) العامل النَّشيط يحترمه جميع النَّاس! (٢) كلام الرَّجُل ميزانُ عقله في أَكثَرِ الأوقاتِ!

٣) سيكون لقاؤنا يومَ الخميس القادم! (٤) في هذه المدينة محلاتٌ تجارية متنوّعة!

٧) عَيْن العبارة الَّتِي فيها النكرة: (سنجش دى ٩٣)

١) نرى آياتِ الله في جميع الكائنات حولنا! (٢) كان المَعْلَم قد عرفه من بداية هذا الأمر!

٣) دماوند أعلى جَبَلٍ في ايران (٤) اليوم من وظائفك إطعامُ أختك و أداءُ واجباتك!

٦) عَيْن العبارة ما جاءت فيها النكرة: (آزمایش سنجش آبان ٩١)

١) كلُّ إنسانٍ يصبر في المصاعب يدرك بصبره منزلة الصابرين!

٢) نحن بحاجةٍ إلى إرشادات معلّمينا الكرام طول الحياة!

٣) لا يكذب الَّذي يعرف حقيقة الدنيا و الآخرة!

٤) إننى زينت سقف غرفتي بمصابيح ملوّنة!

٧) عَيْن العبارة التي كلُّ أسماها معرفة: (سنجش آبان ٨٦)

١) اللسان و إن كان جرمه صغيراً جُرمه كبير!

٢) إن كان وجهك بشاشاً أفضل من أن تكون سخيّاً!

٣) اللّغة المشتركة بين مسلمي العالم هي اللّغة العربية!

٤) علينا جميعاً أن نهدي إلى النَّاس إلى طريق هي أقوم لهم!

٨) عَيْن العبارة الَّتِي ما جاءت فيها نكره (تاليفى)

الف) شاهدنا حميداً يساعِدُ الفقراء (ب) الذكاء هبةٌ و هبها الله للأذكاء

ج) القناعة كنزٌ لا ينفد (د) هذا هدفٌ يريده الأبرار في كل